

طراحی مسکونی پایدار با بهره‌گیری از پتانسیل همپوشانی مرز فضاهای عمومی و خصوصی

مهندس محسن تابان*

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مهندس بهزاد وثیق**

کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

احمد رضا کشتکار قلاتی

کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Blurring boundaries between public and private spaces To promote community interactions in residential area

Abstract

In recent decades human living spaces have been interrupted by cultural aspects of multi media era. Human scale of cities and as a consequence, citizen's satisfaction can be just achieved when an interactive dialogue between citizens arise in cultural, social and economical aspects of community. So, privacy is a key component of this procedure to satisfy a desire to express levels of individuality on citizens dwelling.

This paper research and analyses successful historic case studies of housing projects in different countries and historic dwellings of Iran to evaluate relationships between dwellings and public spaces that offer progressive levels of privacy.

This paper conclude that there should be a multiple transitional spaces between the street and interior of dwelling that provide varying degree of privacy in a community-oriented environment that encourages family and community values, contributes to the healthy living of residents without depriving their privacy, implement controlled public spaces and visual permeability to be able to supervise children and promote safety.

Keywords: Public Space, Dwelling, Private Space, Social Interaction.

چکیده

امروزه فضاهای زیستی انسان دچار دوپارگی‌ها و آشفتگی‌های ناشی از رشد رسانه‌ها و مظاهر تمدن عصر ارتباطات گردیده است. مقیاس انسانی شهرها و در پی آن رضایت شهروندی، تنها زمانی می‌تواند ایجاد شود که انسان فارغ از ظواهر و نمودهای شهری نوین در موقعیتی چهره‌به‌چهره با دیگران به تعامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی رسیده باشد. اصل محصوریت در فضاهای سکونتی، یکی از ابعاد این روند قلمداد می‌شود؛ که در سایه تعریف و فهم آن در جوامع فرهنگی مختلف، می‌توان به وجوه رضایت‌مندی شهروندی ساکنان دست یافت.

تحقیق حاضر با تکیه بر مطالعات میدانی و اسنادی به بررسی یافته‌هایی در سکونت‌گاه‌های سنتی ایران و نمونه‌های کشورهای دیگر پرداخته و به دسته‌بندی الگوهای به‌کاررفته در این مجموعه‌های سکونتی اقدام نموده است. می‌توان از تجزیه و تحلیل مطالب به این نتیجه رسید که فضاهای پیرامونی موردنظر می‌بایست قابلیت برآوردن خواسته‌های ساکنان، قابلیت کنترل و قابلیت نظارت بصری بر فعالیت کودکان و ایجاد امنیت در محیط عمومی را داشته باشند.

واژگان کلیدی:

طراحی مسکونی، سکونت‌گاه، فضای جمعی پایدار، کنش اجتماعی.

مقدمه

انسان متمدن در جهان عجیب و آشفته‌ای زندگی می‌کند. آدمی می‌تواند در ارتباط با جهان باشد، بی‌آنکه از محل سکونت خود قدمی فراتر بگذارد. واژه باهم‌بودن و مفهوم آن را ممکن است زیاد جدی نگیریم، اما جدایی روزافزون آدمیان از یکدیگر و از سایر مظاهر حیات در این سیاره مسأله‌ای جدی است. هر انسان انسان‌های دیگر را به مقیاس خود کمتر می‌بیند. باید آدم‌ها را در میان جمعیت شهر، بر شاهراه‌ها و یا بر صفحه دوبعدی تلویزیون یا سینما تماشا کرد. درحقیقت، مردم زمانی که خود را در شهرهای قدیمی، شهرهایی که آغاز، رشد و مقصود خاص شهر در چهره و مظاهر کالبدی آنها مرئی و مشهود است، می‌یابند احساس لذت و رضایت خاطر می‌کنند. سیمای شهر، مظهر منحصر به فرد زندگی و فعالیت است که در شهر جریان دارد.

خیابان‌ها در دوران گذشته شهرسازی ایران، مکان زنده شهری جهت تعامل اجتماعی-فرهنگی و تفریح و تفرج ساکنان بود ولی امروزه تضاد حل‌ناشده بین پیاده و وسایل نقلیه به همراه مشکلات حاصل از آلودگی‌های زیست‌محیطی و صوتی، خیابان را به صورت غیرقابل استفاده درآورده است. در حقیقت، امروزه فضای بین ساختمان‌ها در زندگی شهری، به اندازه خود ساختمان‌ها اهمیت دارد (چرمایف، ۱۳۷۱: ۲۵). هر واحد مسکونی باید چون جزئی زنده و طبیعی از محیط‌های بزرگتر در نظر گرفته شود. خانه، جزئی از کالبد یک شهر است و برای آنکه بتواند وظیفه خود را به شایستگی انجام دهد، به سیستم‌های جریان‌دهنده و ارتباطی وابسته است. با این تعریف، خانه همبسته مسکونی نقاطی مشخص در تسلسل مراتب عرصه‌های کالبدی شهر به وجود می‌آورند. خانه‌ها خواه در امتداد خیابان قرار گیرند، خواه بر گرد محوطه‌ای جمع شده باشند، مجموعه‌ای را پدید خواهند آورد. اندازه و شماره دقیق عرصه هر چه قدر که باشد، پیوستگی درون عرصه باید کاملاً حفظ شود و سلسله مراتب بین عرصه‌ها باید به میزان بسیار به تأثیر روابط بین عرصه‌ها به وجود آید. به عبارت دیگر مفصل بین عرصه‌های متوالی یا مجاور، میزان جدایی آنها، ارتباط دقیق آنها با یکدیگر، نوع تحول و جابه‌جایی که بین آنها صورت پذیرد، صرف نظر از اندازه خاص عرصه‌ها یا شماره

آنها اهمیت حیاتی دارد. با کاربست مفصل‌بندی و ایجاد شبکه‌ای از فضاها هم‌هنگ و در عین حال متباین، زمینه عینیت‌یافتن مفاهیمی چون محرمیت، سلسله مراتب، مقیاس، قلمرو، سادگی، پیچیدگی، تمرکز و عدم تمرکز در محله فراهم می‌آید (توسلی، ۱۳۷۶: ۳۲).

هدف از این مطالعه دستیابی به راهکارهایی در طراحی مجموعه مسکونی‌ای است که با از میان برداشتن وضوح مرز میان فضای عمومی و خصوصی در آن به زیستی اجتماعی دست یافت.

روش تحقیق:

مقاله حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و پژوهش‌های اسنادی صورت پذیرفته است. برای نیل به این هدف لازم شد تا نمونه‌هایی که در آن ارتباط موفق میان فضای مالکیت خصوصی با فضای عمومی ایجاد شده، جهت معرفی موارد کلیدی و پارامترهای مؤثر، در ایجاد ارتباط بین فضای داخل و خارج بررسی کرد و با توجه به اصول ایجاد سلسله‌مراتب عرصه‌های مختلف در شهرسازی کهن ایران، به نتایجی تطبیق‌پذیر با این اصول دست یافت.

بررسی مفاهیم به صورت عام

ساختار بسیاری از شهرهای کهن ایران بر پیوند فضایی میان عرصه‌های مختلف از طریق گذرهای اصلی و فرعی استوار است. در این رابطه از شش عرصه می‌توان یاد کرد: فضاها عمومی شهری، فضاها نیمه‌عمومی، فضاها عمومی خاص یک گروه، فضاها خصوصی خاص یک گروه، فضاها خصوصی خانواده و فضاها خصوصی فرد. پیوند کالبدی میان عرصه سوم و پنجم همان پیوندی است که بین عرصه مسکونی (فضای خصوصی خانواده) و محیطی گشوده‌تر (فضای عمومی خاص یک گروه) موجود است و معمولاً به عنوان ارتباط و پیوند بین خانه و شهر از آن یاد می‌شود (چرمایف، ۱۳۷۱: ۴۵).

چنین تقسیم‌بندی را می‌توان به صورت کلی‌تر نیز مطرح نمود؛ یعنی فضاها عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی. گاه عرصه‌های مختلف با

الگو	تعادل	اصول سازمان‌دادن فضاهای شهری
مرکزیت	وحدت و کثرت	
حریم	رابطه انسان و محیط	
تضاد	معانی بیان و استعاره	
دوگانگی	رفتار انسانی	
سلسله مراتب		

(جدول شماره ۱) اصول سازمان‌دادن فضاهای شهری (مأخذ: بحرینی)

سلسله‌مراتب عرصه‌های مختلف در شهرسازی ایران

به منظور آگاهی از چگونگی سلسله‌مراتب عرصه‌های مختلف از عمومی تا خصوصی‌ترین عرصه در شهرسازی کهن، بررسی اجمالی برخی از اجزای تشکیل‌دهنده ساختار کالبدی شهرهای سنتی به صورت هر چند اجمالی بیان شده است.

۱- محله: محلات مسکونی با حریم مشخص و گاه کاملاً بسته از مشخصات اصلی ساختار شهرهای اسلامی به شمار می‌روند. محله مجموعه‌ای از خانه‌ها و شبکه معابر بود که با توجه به امکانات ساکنان، کاربری‌های عمومی در آن پیش‌بینی شده و مجموعه را خودکفا می‌ساخت.

۲- خانه: خانه بویژه در شرق (به سبب ارجحیت زندگی خصوصی و خانوادگی) واحد اصلی زندگی شهری محسوب می‌شود. خانه به عنوان نمادی از جهان متمرکز به بافت شهری شکل می‌داد، که حیاط مرکزی از عناصر اصلی آن به شمار می‌رفت. درونگرایی منتج از حس سنتی و دینی از مکان بوده است، مکان فیزیکی یک مسلمان در ارتباط تنگاتنگ با تن وی است (Ardalan, 1973: 32).

آنچه در اشکال متفاوت استقرار بنا در زمین واحد مسکونی مشترک است، توجه به سلسله‌مراتب فضایی از محیط خصوصی و امن خانه به عرصه عمومی با در نظر گرفتن حریم‌های دیداری، شنوایی، امنیتی و روانی است. فضای سردر ورودی معمولاً با عقب‌نشستگی از لب گذر، ماهیت نیمه‌عمومی‌ای داشت که فضای مناسبی برای استراحت عابران و گفتگوهای دوستانه صاحب‌خانه با دیگران ایجاد می‌نمود. پس از ورودی، هشتی به اشکال مختلف قرار

یکدیگر مرز مشترکی می‌یابند که خود بر تعیین اندازه نسبی عرصه‌های مجاور یکدیگر مؤثر است. اما آنچه مهم است، پیوستگی درونی عرصه‌هاست که باید حفظ شود و سلسله مراتب بین آنها تحت تأثیر روابط متقابل به‌وجود آید (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۷).

از آن رو که خانه برای سکونت خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد بهتر است طراحی آن در ارتباط مستقیم با طبیعت باشد. به همین ترتیب خانه متشکل از گروهی عرصه می‌گردد که با اندیشه‌ای نظام‌مند استقرار یافته و هر کدام در خود واجد پیوستگی باشند. در این بینش هر عرصه درونی خانه معادلی در بیرون داشته و تنها از این طریق می‌توان فضای زیست فردی آدمی را از چهارچوب بسته خانه به سوی زندگی مشترک اجتماعی در فضایی عمومی که بدان احساس تعلق داشته باشد سوق داد.

خلق نظام حرکتی به عنوان نیروی پیونددهنده، با توجه به شبکه‌ای بودن ساختار، بسیار پیچیده است که توضیح چگونگی آن امکان‌پذیر نیست. یکی از دسته‌بندی‌هایی که جهت ایجاد نظام تعاملی هم‌زمان و در زمان به عنوان نیروی سازمان‌دهنده عرصه‌ها بیان شده به صورت زیر خلاصه شده است:

ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی، ایجاد شبکه‌ای از مراکز برحسب سلسله‌مراتب فضایی کالبدی، ایجاد وحدت شکلی از طریق پیمون‌بندی، ایجاد نمادهای مرتبت با یکدیگر (هماهنگ و متباین)، ترکیب عملکردها برای ایجاد وحدت فضایی، ایجاد عرصه عمومی به عنوان بستر روابط اجتماعی، تنظیم سلسله‌مراتب فضایی، تقویت گذر اصلی پیاده (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۹).



(تصویر شماره ۱) تجمع ۷ خانه به دور یک حیاط ۸ در ۸ متر (Goodman, 2003: 19)

به این ترتیب سطوح مختلفی از حریم و فضای قابل کنترل در خارج با محوریت کودکان به منظور ایجاد تقابلات اجتماعی در محیطی با تراکم بالا خلق گردیده است (تصویر شماره ۲). این پروژه می‌کوشد تا نشان دهد که در یک گونه‌شناسی کم‌ارتفاع نیز می‌توان به تراکم بالا با وجود فضای باز و دیگر خدمات دست یافت (Goodman, 2003: 19).



(تصویر شماره ۲) بررسی گرافیکی ارتباط فضایی مجتمع مسکونی (Goodman, 2003: 19)

۲- پروژه خانه‌های هوتوآینن هالمیر^۳ آمستردام: آتلیه معماری هرمان هرتزبرگر^۴ این پروژه را با هدف ایجاد مکانی برای تماس اجتماعی و یک اتاق زندگی همگانی، که باعث تعامل میان ساکنان می‌شود طراحی کرد تا وابستگی متقابل برنامه‌ریزی شده‌ای میان ساختمان و خیابان ایجاد کند (Bergeijk, 1997: 66). ارتباط پیچیده میان فضای داخل و خارج از طریق دسترسی‌های عمودی که

می‌گرفت که عمومی‌ترین فضا در عرصه خصوصی خانه بود.

۳- شبکه معابر: بافت ارگانیک محلات قدیمی حکایت از وجود سلسله‌مراتب دقیق و منظمی در شبکه معابر داشت که از خصوصی‌ترین معابر تا عمومی‌ترین آنها را با ظرافتی خاص به یکدیگر پیوند داده و آستانه‌ها را به‌دقت تعریف می‌کرد. چنین سلسله‌مراتبی را می‌توان به صورت جدول شماره ۱ تقسیم‌بندی نمود.

۴- مرکز محله: مرکز محله، عمومی‌ترین عرصه محلی و محل تجمع و برخورد هم‌محله‌ای‌ها، محسوب می‌شود. از آنجا که مرکز محله، مکانی بود که بسیاری از برخوردها و تظاهرات اجتماعی در آن نمود پیدا می‌کرد و پاسخگوی نیاز ساکنان محل بود، زنده و فعال بودن آن، نشان از انسجام اجتماعی افراد و علاقه‌مندی ایشان به حفظ و ارتقای محله و یا به عبارتی قلمرو خویش و کسب هویتی اجتماعی و مکانی برای آن داشت.

فضایی برای زندگی همگانی

به منظور ایجاد زیستی اجتماعی در محیط مسکونی نمونه‌هایی که در آن ارتباط موفق‌تری میان فضای مالکیت خصوصی با فضای عمومی، به عنوان بستر روابط اجتماعی ایجاد شده، ارتباط بین فضای داخل و خارج در جهت ایجاد وحدت فضایی، را می‌توان بررسی کرد. گرچه پروژه‌ها در نقاط مختلفی اجرا شده‌اند ولی اصول موفقیت آنها را در هر کجا می‌توان به کار بست.

۱- خانه‌های بلاپور^۱ در بمبئی نو^۲:

هدف اصلی این پروژه دستیابی به عدالت شهری با جاده‌ی بیش از ۹۰ درصد از منحنی درآمد بمبئی بوده و با در نظر گرفتن درآمدهای متفاوت استفاده‌کنندگان، خانه‌هایی در اندازه‌های مختلف برای اقشار مختلف از فقیر تا غنی ایجاد شده است (Rewal, 2000: 25) (تصویر شماره ۱). فضای باز نیمه‌عمومی ایجاد شده مانند حایلی میان فضای عمومی و خصوصی قرار گرفته که باعث تعامل بین داخل و خارج می‌گردد.

پیش از ورود به درون خانه به یک فضای ایوان خصوصی راه می‌یابد، همپوشی زیرکانه‌ای میان فضای عمومی و خصوصی ایجاد کرده است (تصویر شماره ۳).



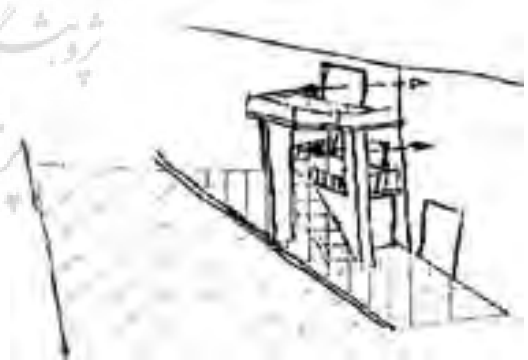
(تصویر شماره ۳) خیابان به عنوان اتاق زیست شهری (Goodman, 2003: 22)

تراکم بالا به شکلی شهری-حومه‌ای طراحی شده است. در این پروژه خیابان به یک عنصر عمومی بدل شده که تنوع ساکنان را از طریق تجارب بصری بسیار مختلف به نمایش می‌گذارد و فرصتی برای بروز علایق فردی در فضای عمومی منجر به توسعه هویت جمعی شده است (تصویر شماره ۵). این تنوع چندفرهنگی با حفظ محرمیت و مالکیت ایجاد شده است.



(تصویر شماره ۵) تحلیل گرافیکی ارتباط فضایی (Goodman, 2003: 120)

ایوان خصوصی خارجی با داشتن اختلاف ارتفاع با خیابان شخصیتی عمومی پیدا کرده است. این مجتمع با ارتفاع متوسط و تراکم بالا، فضای عمومی مناسب به عنوان فضای جمعی خلق کرده (تصویر شماره ۴) تا قلمرو عمومی غنی‌تر و در عین حال دوستانه‌تری ایجاد کند (Goodman, 2003: 20).



(تصویر شماره ۴) تحلیل گرافیکی ارتباط فضایی (Goodman, 2003: ۳۲)

برخلاف خانه‌سازی‌های معمول برای اقشار کم‌درآمد که دارای ساختی ساده و تأثیری یکنواخت‌کننده بر زندگی جمعی است، این خانه‌ها با ایجاد بستری ماجراجویانه با حفظ استقلال در واحدها و ورودی‌هایشان، ریتم متغیر و متضاد معمول در خیابان‌های تاریخی مانند نرم و خشن، شفاف و مات، قدیم و جدید، خصوصی و عمومی را به وجود آورده است (Goodman, 2003: 25) (تصویر شماره ۶).



(تصویر شماره ۶) سایت پلان (Goodman, 2003: 125)

۳- سویگنی ل تمپل^۵ در سنارت فرانسه:

۸۸ واحد مسکونی برای اقشار کم‌درآمد در گوشه پاریس توسط آلیان سرفتی^۶ به عنوان پروژه‌ای با ارتفاع متوسط و

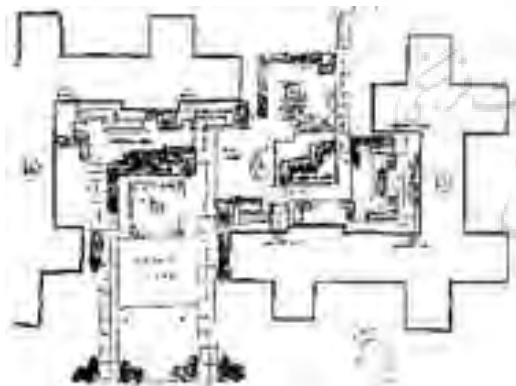
را به عنوان اصلی‌ترین استراتژی در پیش گرفتند. تحلیل چگونگی استفاده مجرمان از فضاهای فاقد کنترل منجر به تعریف مرزها به گونه‌ای شد که فضای عمومی به عنوان بخشی از محدوده مسکونی شکل گیرد.



(تصویر شماره ۹) زمین بازی فعال جدید

(Goodman, 2003: 255)

این هدف با استفاده از پیاده‌روهای محصور، فضاهای سبز کنترل‌شده و خصوصیات جدید زمین‌های بازی برای ترکیب فضای باز با اجتماع به وقوع پیوست (تصویر شماره ۹). نیمکت‌ها به منظور از بین بردن هر گونه ابهام در مالکیت فضا و جلوگیری از استفاده نامتعارف و تشویق به گذران وقت ساکنان در فضاهای عمومی به دقت مکانیابی شد (تصویر شماره ۱۰).



(تصویر شماره ۱۰) سایت پلان

(Goodman, 2003: 247)

از مفاهیمی که منجر به موفقیت پروژه شدند می‌توان به مواردی چون تعریف مالکیت، استفاده از فضا، نفوذپذیری بصری و جلوگیری از جنایت به وسیله چشمان ناظر بر خیابان اشاره نمود (Goodman, 2003: 43).

۴- پروژه خانه‌سازی خیابان الکساندر ۲۱ لندن:

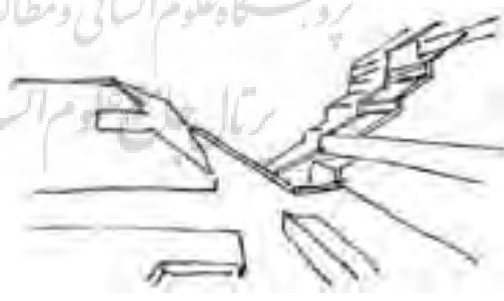
این پروژه سابقاً به‌خاطر نداشتن بافت بارز و رفتاری بی‌تفاوت نسبت به خیابان، مورد نقد قرار می‌گرفت.



(تصویر شماره ۷) سایت پلان

(Goodman, 2003: 210)

بعدها به خاطر ارتباط متقابل واحدها با بیرون و بهرمندی از فضای واسطی یک بالکن باز، این پروژه مطرح شد (تصویر شماره ۷). علاوه بر شرایط نورگیری خوب، این ساختمان‌ها نمایشگر ابعاد و اندازه‌های متناسبی هستند و فرم ساختمان‌ها سبب ایجاد فضای عمومی کنترل‌شده‌ای گشته است (Goodman, 2003: 30). پروژه مورد اشاره دارای شخصیتی واحد است و اجزا مختلف آن را می‌توان بخش‌های قابل تعریف کل فرهنگی و هویتی دانست (تصویر شماره ۸).



(تصویر شماره ۸) تحلیل گرافیکی ارتباط فضایی

(Goodman, 2003: 250)

۵- خانه‌های عمومی رد هوک^۸ نیویورک:

این پروژه مرتفع با تراکم بالا در محیطی شکل گرفت که اعتیاد به مواد مخدر و جرم و جنایت بیداد می‌کرد. متولیان مسکن نیویورک تعریف مجدد فضای عمومی ایمن

۶- شوشتر نو:

شوشتر نو جهت اسکان چهل هزار نفر در کنار شهر قدیم شوشتر برنامه‌ریزی شد. طراحی شهر بر اساس معیارهایی چون رعایت ویژگی‌های طبیعی محل، بافت اجتماعی-اقتصادی شهر موجود و ساختار کالبدی آن تکیه داشته است (تصویر شماره ۱۱).



(تصویر شماره ۱۱) زمین بازی فعال جدید (مأخذ: ۲)

شهر جدید بر اساس الگوی شهری شوشتر کهن با بافتی متمرکز و متراکم حول بازار طراحی گردید. شوشتر نو در طول یک محور اصلی پیاده می‌باشد که تمام ساختمان‌های عمومی مانند بازار و مسجد میدان اصلی در راستای آن قرار داده شده است (حبیبی، ۱۳۷۶: ۷۲). فرم‌ها و مراکز تجمعی این سکونتگاه، نمونه موفق انطباق فرهنگ سنتی و بومی-فرهنگی مردم محلی در استفاده و مشارکت در بافت نوین می‌باشد (تصویر شماره ۱۲).



(تصویر شماره ۱۲) ساکنان

۷- محله سیروس:

محله سیروس محله‌ای در منطقه ۱۲ تهران است. این محله یکی از محلات قدیمی شهر می‌باشد، که به دلیل فرسودگی بافت، عدم امکان دسترسی مناسب و وجود بافت‌های ریزدانه با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده بود. متولیان طرح ساماندهی این محله با اولویت‌دادن به سه عامل خواست و نیاز مردم، میزان بازگشت اقتصادی طرح و میزان تأثیرگذاری در بافت‌های پیرامونی، اقدام به اجرای طرح نمودند. برای جلب همکاری‌های مردمی سعی شد با انجام اقدامات زیر بر میزان مشارکت‌ها افزوده شود:

- ۱- همکاری. همدلی با مردم
- ۲- ایجاد دفتر محلی
- ۳- آگاهی‌دادن به مردم و روشن‌ساختن طرح برای آنان
- ۴- حساس‌نمودن مردم نسبت به سرنوشتشان
- ۵- اعتمادسازی در میان مردم، نظیر قانون تملک برای عده‌ای و دادن امتیازهای مثبت (سودآوری)
- ۶- دادن وام با شرایط ویژه به ساکنان (پورجعفر، ۱۳۸۷، ۷۹ و ۸۰)

راهبردها

با بررسی نمونه‌های مورد اشاره در مطالب بالا، می‌توان به جدول شماره ۲ دست یافت. این جدول نشانگر اهداف و چگونگی دستیابی به آن در هر نمونه می‌باشد.

به منظور دستیابی به یک استراتژی موفق عمومی در اجتماع مسکونی، فهم اینکه فضاهای عمومی چگونه رفتار کرده، چه مزیت‌هایی برای جامعه‌شان داشته و چه مؤلفه‌هایی آنها را موفق کرده، ضروری است. از جمله این مؤلفه‌ها، حدود تعریف‌شده مشخص و نفوذپذیری بصری است که در مطالعات مسکن پوشیده می‌ماند. از موارد مهم دیگر، ایجاد حس صمیمیت و گشودگی، ایجاد سایه، امکان نشستن و در دسترس بودن فضا برای کاربران است. به علاوه ارتباط مستقیم با محیط طبیعی موقعیت‌های آموزشی و بازی را مطابق طبع جستجوگر و تجربه‌گرای کودکان مهیا می‌کند.

(جدول شماره ۲) تحلیل اهداف، راهبردها و راهلهای طراحی در نمونههای مورد بررسی (مأخذ: نگارندگان)

نام پروژه	اهداف پروژه	راهبرد	ملاحظات	طراحی
بلاپور	دستیابی به عدالت شهری	جادهی بیش از ۹۰ درصد از منحنی درآمد شهر	در نظر گرفتن درآمدهای متفاوت استفادهکنندگان	خانههایی در اندازههای مختلف متناسب با درآمدها
هوتوآین هالمر	ایجاد مکانی جهت تماس اجتماعی	ایجاد تعامل میان ساکنان	وابستگی متقابل برنامه- ریزی شدهای میان ساختمان و خیابان	ارتباط پیچیده میان فضای داخل و خارج از طریق دسترسهای عمودی
سویگنیلتمپل	تنوع ساکنان را از طریق تجارب بصری	ارتفاع متوسط و تراکم بالا به شکلی شهری-حومه‌ای	تنوع چندفرهنگی با حفظ حریمیت و مالکیت	حفظ استقلال در واحدها و ورودیها
خیابان الکساندرا	ایجاد فضای عمومی کنترلشده	ارتباط متقابل واحدها با بیرون	بررسی بخشهای قابل تعریف کل فرهنگی و هویتی	نورگیری خوب ساختمانها و فرم ساختمانها
رد هوک	مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر، جرم و جنایت	تعریف مجدد فضای عمومی	تحلیل چگونگی استفاده مجرمان از فضاهای فاقد کنترل	- استفاده از پیاده‌روهای محصور و فضاهای سبز کنترلشده - زمینهای بازی
شوشتر نو	اسکان چهلهزار نفر در کنار شهر قدیم شوشتر	رعایت ویژگیهای طبیعی محل، بافت اجتماعی-اقتصادی شهر موجود و ساختار کالبدی آن	تحلیل اقتصادی و پیشینه شهرنشینی و شهرسازی شوشتر قدیم	بافتی متمرکز و متراکم بر اساس الگوی کهن
محله سیروس	بهسازی بافت	- همکاری. همدلی با مردم - ایجاد دفتر محلی - آگاهیدادن به مردم و روش‌ساختن طرح برای آنان - حساس‌مودن مردم نسبت به سرنوشتشان - اعتمادسازی در میان مردم نظیر قانون تملک برای عدهای و دادن امتیازهای مثبت (سودآوری) - دادن وام با شرایط ویژه به ساکنان	- خواست و نیاز مردم - میزان بازگشت اقتصادی طرح - میزان تأثیرگذاری در بافتهای پیرامونی	تجدید نظر در بافت معیوب موجود

از دیگر عوامل می‌توان به شناخت نحوه استفاده مردم از فضای خصوصی بیرونی، سطح تعامل مقبول آن با فضای نیمه‌عمومی و عمومی و ماشین‌رو و میزان خصوصی‌بودن مورد نیاز برای استفاده بهینه اشاره کرد.

نتیجه‌گیری:

با بررسی نمونه‌های یادشده اصول و الگوهای حاصل می‌توان به ضرورت طراحی بر اساس ارتباط سکونت‌گاه‌ها با فضای بیرون دست یافت.

مشاهدات در محلات مختلف، محرمیت و سایه‌گیری را مهمترین وجوه استفاده از فضای خارج معرفی می‌کند. عمده راه‌های دستیابی به محرمیت، استفاده از حایل سبز می‌باشد، که به‌طور کامل فضای خارج را جدا نکرده و حالت حجاب‌مانند دارد، و همچنین دیوارهای جداکننده در بین همسایگی‌ها، که محرمیت و محصوریت ایجاد می‌کند و سبب دستیابی به سطوحی از خلوت و مجزا بودن می‌شود. در مکان‌هایی که ترافیک وسایل نقلیه وجود دارد سروصدا و فعالیت سواره باید به خوبی محافظت شود و بدین صورت خیابان‌های خودمانی‌ای که ترافیک اولیه در آنها محدود شده، استفاده بیشتری از فضای خارج را سبب می‌شود. از دیگر مؤلفه‌های مؤثر، آمیختن اتومبیل درون محیط مسکونی است. این تأثیرات شامل: امنیت پیاده، زیبایی‌های اجتماعی، قابلیت دسترسی، تأثیر بر روی نماهای مسکونی و واکنش انسان به اتومبیل در فضای عمومی است. بررسی نمونه‌های موفق، دسترسی موفق ماشین با ایجاد جبهه مناسب مسکونی و فضاهای مبهم و منعطف و در عین حال فضاهای اجتماعی و اختصاص یافته به پیاده را نشان می‌دهد. از دیدگاه برنامه‌ریزی اجتماعی، جدایی میان پیاده و سواره باعث ایجاد فضایی اجتماعی در فضای عمومی می‌شود که مردم در آن به راحتی با هم در تعاملند و فضایی امن و مناسب جهت بازی کودکان است.

یکی از نکات کلیدی برای دستیابی به این هدف، تعریف مبهم مرز میان فضای عمومی و خصوصی است. با منعطف کردن این مرزها از طریق چندلایه کردن آنها و همپوشانی و ارتباط میان فضاهای مختلف، می‌توان سطوح مختلفی از محرمیت با حفظ تداوم فضایی و ایجاد تعامل اجتماعی را ایجاد کرد. به عبارت دیگر تأثیری متقابل از

عمومی‌ترین تا خصوصی‌ترین قسمت سایت بر روی هم وجود دارد. ایجاد ارتباط میان فضای درون و بیرون سبب ایجاد احساس صمیمیت جمعی در محیطی سالم‌تر و دوستانه‌تر می‌گردد و باعث نظارت غیرمستقیم بر فضای عمومی و فعالیت کودکان بدون دخالت مستقیم والدین می‌گردد. با ایجاد چندین لایه درون سایت، ارتباطی میان کل جامعه مورد مطالعه ایجاد شده که باعث حضور واضح سایت در خیابان می‌گردد، که در آن مسکن خصوصی بی‌حجاب نیست. با توجه به این معیارها، محله‌ای با ساکنان در سطوح درآمدی مختلف ایجاد می‌شود که به دور یک فضای عمومی شکل گرفته و در ادامه چندین لایه و فضای مرتبط‌کننده‌ای در بین آنها چه از نظر بصری و چه تجربی ایجاد می‌گردد. بدین ترتیب حرکت از عمومی‌ترین نقطه در خیابان تا خصوصی‌ترین بخش خانه تدریجی است. نتیجه اینکه مرز میان فضای عمومی و خصوصی منعطف و نرم شده و محیطی ایجاد می‌گردد که جهت‌گیری به سمت آرمان خانواده و اجتماع (صمیمیت جمعی) دارد.

در پایان مقاله از راهنمایی‌های روشنگرانه جناب دکتر مجتبی انصاری، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، که باعث قوام مطالب و جهت‌گیری‌های مقاله گردیدند کمال تشکر را ابراز می‌داریم.

فهرست منابع:

- ۱- الکساندر، کریستوفر و دیگران، تئوری جدید طراحی شهری، ترجمه شرکت طاش، ۱۳۷۳.
- ۲- بحرینی، حسین، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۳- بحرینی، حسین، تاج‌بخش، گلنار، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، مجله هنرهای زیبا، شماره ششم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- پورجعفر، محمدرضا، مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- ۵- توسلی، محمود، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی ایران، ج اول، مرکز مطالعات و

تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۶.

۶- چرمایف، سرج، الکساندر، کریستفر، عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

۷- حبیبی، محسن، مکتب اصفهان در شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، شماره سوم، دانشگاه تهران.

۸- حبیبی، محسن، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله، مجله هنرهای زیبا، شماره سیزدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۹- حبیبی، محسن، سلیمی، جواد، استخوان‌بندی شهر تهران، ج اول، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، تهران: ۱۳۷۶.

10-Raj Rewal, City and Industrial Development Corporation of Maharashtra , (2000), Humane Habitat at Low Cost: CIDCO, Belapur, New Mumbai, Architectural Research Cell.

11- Herman van Bergeijk, Herman Hertzberger, (1997), Herman Hertzberger, Birkhäuser Verlag.

12-Ardalan, Nader, Bakhtiar, Laleh, (1973), the Sence of Unity, Chicago press.

13-Goodman, Elizabeth rosi, (2003), Blurring the Lines Between Public & Private Sp.

14-Aces.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۲۱ - پاییز ۱۳۸۷
No.21 Autumn 2008

■ ۱۰۰ ■

مدیریت شهری
Modiriyat
Shahri
Modiriyat
Shahri